

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۵ سپتمبر ۲۰۲۲

گفتا که: که را کشتی تا کشته شدی زار؟

شنبه - ۰۲ میزان ۱۴۰۱ - کابل: بعد از مدتی که صدای انفجار در شهر کابل شنیده نمی شد، انفجار روز گذشته در بیرون از مسجد "وزیر محمد اکبرخان" در بین نمازگزارانی که تازه از ادای نماز جمعه بر می گشتند و به کشته و زخمی شدن بیش از ۴۸ تن انجامید، ضمن آن که آرامش منطقه را به هم زد و به مردم کابل یادآوری نمود که مصیبت انفجار و انتحار تمام نشده، عکس العمل های متفاوتی را بین افشار مختلف مردم، زمامداران گذشته و حال و منابع بین المللی باعث گردید. در یادداشت امروز مکث کوتاهی خواهم داشت در قبال موضعگیری نظام ملاسالار که از طرف "ذبیح الله مجاهد" سخنگوی آن نظام بیان شد. نامبرده در تویییتی می نویسد: «هدف قرار دادن مساجد و نمازگزاران جنایت نابخشودنی است، ملت باید در از بین بردن جنایتکاران با نظام همکار باشد»

قبل از بحث در مورد این حکم و درخواست ردیالانه این توله سگ ارتجاع، چند بیت ذیل را از جمع قصاید و قطعات "رودکی سمرقندی" نقل می نمایم، باشد طالب هم بداند که هیچ جنایتی بدون پاسخ نمی ماند و این که گفته اند "دنیا دار مکافات" است، حرف بیجا نیست:

رودکی «قصاید و قطعات» شماره ۲۲

چون تیغ به دست آری، مردم نتوان کشت
نزدیک خداوند بدی نیست فرامشت
این تیغ نه از بهر ستمکاران کردند
انگور نه از بهر نیبذ است به چرخشت
عیسی به رهی دید یکی کشته فتاده
حیران شد و بگرفت به دندان سر انگشت
گفتا که: که را کشتی تا کشته شدی زار؟
تا باز که او را بکشد؟ آن که تو را کشت
انگشت مکن رنجه به در کوفتن کس
تا کس نکند رنجه به در کوفتن مشت

هموطنان گرامی!

حکمی را که امروز "ذبیح الله مجاهد" این توله سگ آستان "آی. اس. آی." و دشمن خلق افغانستان می نماید و هدف قرار دادن نمازگزاران را جنایت نابخشودنی می داند، می شود گفت "تف سربالائی ست" که برچهره کثیف خودش فرود خواهد آمد. او اینجا این عمل را جنایت نابخشودنی می داند اما نمی گوید که کدام نهادی انتحار و انفجار را در افغانستان بنیان گذاشت؟ او نمی گوید که خود آنها در طول ۲۰ سال اخیر چه تعداد مسجد، مکتب، شفاخانه، هتل، دکان، سرک و باشگاه سپورت و حتا مدارس مذهبی را به خاک و خون کشانیده اند؟ او نمی گوید که در طول تاریخ و در کدام یک از

کشورهای جهان، وزیر داخله آن کشور آمده است و به مانند "سراج الدین حقانی"، "قطعه انتحاری" هایش را به نمایش گذاشته و از آنها تقدیر به عمل آورده است؟

هموطنان گرامی!

منطق طالب و نظام ملاسالار و در کلیت آن نظامهای ایدئولوژیکی از قماش حاکمیت فعلی افغانستان در طول تاریخ چنین بوده است که عین عمل برای خودشان ثواب و صواب و برای دیگران گناه و خطا شمرده شده است. این نوع نظامها مخالف مرگ و نیستی و کشتار نیستند، بلکه نیستی و کشتار را زمانی جنایت می دانند که در حق خودشان صورت گیرد. اساساً فلسفه در یک طرف "شهید" و در طرف دیگر "مردار" شدن، به معنای برخورد دوگانه در قبال عین عمل است.

و اما به ارتباط پر رویی و دیده درائی "ذبیح الله مجاهد" و دعوت از مردم به همکاری. هرگاه از بحث در مورد واقعیت ارتقای فهم طالب و نظام ملاسالار از نقش مردم در اداره امور بگذریم و سیاست نادیده گرفتن و صغیر پنداشتن و حتا چهارپای پنداشتن مردم را از جانب طالب نادیده بگیریم و بگوئیم گذشت زمان اندکی بر مغز های متحجر و متعفن آنها اثر گذاشته، از همین رو دست کمک به طرف مردم دراز نموده اند، نفس تقاضای "مجاهد" از مردم که به نظام کمک نمایند، بدان معناست که ما از بره مظلومی خواهیم به جای دندانهای تیز گرگ و پلنگ، کارد قصاب را صیقل بدهند.

هموطنان گرامی!

برای ما چه فرقی می کند که طالب ما را بکشد و یا داعش و یا کدام آستان بوس دیگر ارتجاع. موضع ما انتخاب قاتل نیست، موضع ما مبارزه علیه قاتل و جنایت است. ما نمی خواهیم اساساً کشته شویم، ما می خواهیم حق حیات داشته باشیم و به مانند سایر انسانهای روی زمین در امنیت، آزادی و رفاه زندگی نماییم و اینها دقیقاً همان چیز هائی اند که طالب و طالبیسم به هر شکل و قیافه ای که ظاهر شود مانع رسیدن ما به آنها گردیده است. برای ما به جای این که بیانیم طالب و نظام ملاسالار را کمک نماییم، می باید با هم دیگر متحد می شویم و در نهایت نظام ملاسالار را با شرکای قدرت آن و رقبای همجنس آن، به زباله دادن تاریخ بسپاریم. این تنها راهیست که برای ما مانده و می تواند حیات ما را جاودانه بسازد.

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!

یادداشت:

ابیاتی را که ما در اینجا از "رودکی" معرفی نمودیم در برخی از نسخ به "ناصر خسرو" نیز نسبت داده شده است. چنانچه در منابع الکترونیک، در شماره چهل و هشتم قصابید و رباعیات ناصر خسرو قید نموده اند. هرچند برای من با بضاعت کمی که در حوزه فرهنگی زبان فارسی دری دارم، ممکن نیست تا در زمینه تعلق ابیات فوق بین "رودکی" و "ناصر خسرو" حکم نمایم، مگر به اساس "حق تقدم" از آنجائی که "رودکی" قبل از ناصر خسرو زیسته است، می توان گفت که احتمالاً ابیات ذکر شده، به رودکی تعلق داشته باشند.

ع. قریشی.